

علل گرایش جوانان به عرفان‌های کاذب

فاطمه ملک نیا^۱

چکیده

گرایش به معنویت و عرفان نیازی است که از فطرت انسان‌ها برمی‌خیزد. معنویت‌های نوظهور، در راستای تمنای فطری انسان هستند؛ ولی پاسخی مسخ شده به آن می‌دهند. بشر امروزی با تجربه تفکرات مادی به پوچی رسیده و برای فرار از این بن بست به زعم خود به سوی معنویت پناه آورده و به عبارتی از چاله به چاه افتاده است. عرفان‌های کاذب مصداق بارز جنگ نرم دشمنان اسلام هستند که هویت فرد را به خطر می‌اندازد و ارزش‌های اجتماعی افراد را کمرنگ کرده، بحران‌های روانی به وجود می‌آورند و با هدف قرار دادن باورها و اعتقادات مردم به ویژه جوانان قصد فروپاشی و متزلزل کردن خانواده‌ها را دارند. در این مقاله به روش توصیفی تحلیلی به بررسی علل گرایش جوانان به عرفان‌های کاذب و ارائه راهکارهایی برای جلوگیری از آن پرداخته شده است. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که گرایش جوانان به عرفان‌های کاذب نتیجه ترکیبی از عوامل اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و رسانه‌ای است. برای مقابله با این پدیده، نیاز به افزایش آگاهی دینی، تقویت هویت ملی و مذهبی، و ارائه راهکارهای مناسب برای پاسخگویی به نیازهای معنوی جوانان می‌باشد.

کلمات کلیدی: معنویت، عرفان، عرفان کاذب، جوانان.

^۱ سطح ۲، مدرسه علمیه بنت‌الرسول شهرستان سلسله

مقدمه

دین و دینداری یکی از قدیمی‌ترین پدیده‌های اجتماعی و از نیرومندترین و پایدارترین نهادهای زندگی اجتماعی انسان در طول تاریخ بوده است. هر یک از ادیان موجود اعتقادات خود را برحق شمرده و داعیه به سعادت رساندن بشر را داشته است و به تبع آن و در بدترین حالت، ادیان دیگر را لاقلاً ناقص تلقی، انحرافی و الحادی قلمداد کرده و با آن به جنگ و ستیز پرداخته است. دنیا در صد سال اخیر به دلیل پیشرفت علم و تکنولوژی به سمت مادی‌گرایی سوق پیدا کرد ولیکن کم‌کم به بن‌بست رسید و هم‌اکنون مردم اشتیاق زیادی به مسائل متافیزیک و ماورای جهان ماده دارند؛ چرا که بشریت متوجه شده که نیازهایی فوق مادی دارد که به این نیازها در کارخانه‌ها و با محصولات جدید و تنوع در بازار و تکنولوژی پاسخ داده نمی‌شود. لذا اشتیاق زیادی به مسائل عرفانی پیدا کرده است. معنویت‌های نوظهور، در راستای تمنای فطری انسان هستند؛ ولی پاسخی مسخ شده به آن می‌دهند.

از آن جایی که هجوم فرهنگی و سیاسی غرب که با استفاده از ابزارهای فراگیر رسانه‌ای (ماهواره، اینترنت، رمان، کتاب و ...) به تخریب پایه‌های اعتقادی و ارزشی نسل حاضر می‌پردازد، بررسی علل گرایش به عرفان‌های کاذب و بیان راه‌کارهایی برای عدم گرایش به این‌گونه عرفان‌ها بسیار ضروری می‌باشد؛ زیرا اگر عواملی را که سبب گرایش به عرفان‌های کاذب می‌شوند به خوبی شناسایی شوند و ابعاد پنهان و آشکار آن‌ها به درستی بررسی و پیگیری شود، از آثار و عوارض آن کاسته شده و نهایتاً از رشد و گسترش آن جلوگیری به عمل می‌آید.

با توجه به این که در چند دهه اخیر عرفان‌های زیادی با نام‌های مختلف شیوع پیدا کرده‌اند، نویسندگان و محققین را بر آن داشته که کتاب‌ها و مقاله‌هایی در این مورد بنویسند مانند: آقای دکتر محمد تقی فعالی در کتاب آفتاب و سایه‌ها و نیز کتاب‌های دیگری با نام فرقه‌های کاذب به نقد و بررسی این عرفان‌ها می‌پردازد. آقای احمد حسین شریفی در کتاب درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب، به معرفی عرفان حقیقی و کاذب و بیان شاخص‌های هر کدام پرداخته و در قسمتی از این کتاب، علل گرایش به عرفان‌های کاذب را بیان می‌کند. آقای حمیدرضا مظاهری سیف در کتاب جریان‌شناسی انتقادی عرفان-های نوظهور، علت گرایش به عرفان را فطری می‌داند و به نقد و بررسی عرفان‌های نوظهور می‌پردازد. جمعی از نویسندگان در کتاب کژراهه (گزارش‌هایی از فرقه‌های نوپدید و عرفان‌های دروغین) گزارش‌ها و گفتگوها و مقالاتی را در مورد فرقه‌های نوظهور بیان می‌کنند. آقای امید شهبازنژاد در کتاب فرقه‌های

نوظهور و رهبران به معرفی این فرقه‌ها و رهبرانشان پرداخته و در فصلی از این کتاب عواملی که در گرایش افراد به این فرقه‌ها مؤثر می‌باشند را ذکر کرده‌اند. این نویسندگان تنها به توصیف و معرفی این عرفان‌ها و بررسی نظریه‌های صاحب عرفان‌ها پرداخته‌اند و تنها بخش کوچکی را به علل گرایش اختصاص داده‌اند و از تحقیق ریشه‌ای و اساسی آن غافل بوده‌اند؛ به طوری که تا چند سال گذشته کمتر به ریشه‌یابی گرایش افراد به این گونه عرفان‌ها پرداخته شده است.

این تحقیق به بررسی عواملی که موجب می‌شود که جوانان به سمت عرفان‌های کاذب کشیده شوند، می‌پردازد. تا با معرفی این عوامل و بررسی پیامدهای گرایش به این عرفان‌ها، جلوی نفوذ و گسترش این مکاتب و اثرات منفی آن‌ها گرفته شود.

سؤال اصلی تحقیق:

علل گرایش جوانان به عرفان‌های کاذب چیست؟

۱- تعریف مفاهیم و اصطلاحات

عرفان در لغت به معنای شناخت است و در اصطلاح نام علمی است از علوم الهی که موضوع آن شناخت خدا و اسماء و صفات اوست؛ و بالجمله راه و روشی که اهل الله برای شناسایی حق انتخاب کرده‌اند «عرفان» می‌نامند.^۱ در عرفان علم تنها کافی نیست و عمل اساس کار است.

عرفان حقیقی یعنی شناخت شهودی خداوند متعال و اسماء، صفات و افعال او، که ریشه در فطرت انسان دارد؛ مکتبی است که وصول به حقیقت معرفت را از طریق ریاضت و تهذیب نفس و تأمل جستجو می‌کند.

عرفان‌های کاذب عرفان‌های تازه تأسیسی هستند که هیچ‌گونه اصالت و صبغه دینی ندارند و محصول تفکرات واهی و کاذب می‌باشند؛ به همین دلیل عرفان کاذب خوانده می‌شوند. به عبارتی این‌ها در واقعیت عرفان نیستند بلکه سراسر جهل و نادانی‌اند. بشر امروزی با تجربه تفکرات مادی به پوچی رسیده و برای فرار از این بن بست به زعم خود به سوی معنویت پناه آورده و به عبارتی از چاله به چاه افتاده است. جنبش‌های نو پدید دینی که عمدتاً از جنگ جهانی دوم به بعد ظهور کردند در اواخر دهه هفتاد در جوامع غربی برجسته شدند. این جنبش‌ها را نمی‌توان تحت یک قانون واحد و کلی درآورد؛ برخی به دلایل مختلف موفق و برخی شکست خورده و ناکام ماندند.^۲ آنچه در تعریف این جنبش‌ها پررنگ جلوه داده می‌شود، تأکید بر سه واژه «جنبش»، «نوپدید» و «دینی» است.^۳

عرفان‌های کاذب مصداق بارز جنگ نرم دشمنان اسلام هستند که هویت فرد را به خطر می‌اندازد و ارزش‌های اجتماعی افراد را کم‌رنگ کرده، بحران‌های روانی به وجود می‌آورند و با هدف قرار دادن باورها و اعتقادات مردم به ویژه جوانان قصد فروپاشی و متزلزل کردن خانواده‌ها را دارند.

فطرت لایه ای از وجود انسان و شأنی از هستی اوست که در محضر خدا حاضر بوده و شاهد جلال، جمال، شکوه، کمال، نور، علم، قدرت، لطف، رحمت و سایر کمالات اسمائی و جلوه‌های صفات عالی الهی است. کسی که کتاب فطرت را مطالعه کند، به خدا می‌رسد و فطرت، دعوت رسای خداست که از

^۱ دهخدا، لغت‌نامه، ج ۱۰، ص ۱۳۵۹۲

^۲ مهدوی کنی، دین و سبک زندگی، ص ۴۱

^۳ کیانی، در باب چیستی جنبش‌های نوپدید، ص ۷۳-۹۴

درون هر انسان برخاسته است و او را به مقصد اصلی و حقیقی خویش فرا می خواند. طبیعت انسان همین تن مادی است که بیشتر مردم، خود را با آن اشتباه می گیرند و فراموش می کنند که در حقیقت، روح اند و هویت اصلی شان منوط به فطرت و بعد ملکوتی شان است. اگر انسان ها فطرت الهی خویش را در نظر نگیرند، از هدایت های فطری محروم و در خواسته های مادی گرفتار می شوند؛ در این صورت فریفته ی اموری خواهند شد که مطلوب حقیقی و مورد تمنای فطرت نیست. البته هدایت فطری و دعوت الهی که نور او در وجود ماست، هیچ گاه خاموش نمی شود. اما کسانی که از پس حجاب طبیعت آن را می بینند و می شنوند، از ملاقات با حقیقت ناب محروم شده، از کژراهه تمنای طبیعی برای خواسته های فطری می کوشند و خودفریبی معنوی از همین جا آغاز می شود. در این وضعیت انسان در پی خواسته های طبیعی می رود و می پندارد که حقیقت و معنویت را خواهد یافت یا خواسته های مادی و عادی خود را معنویت و مصداق راستین نیاز فطری خویش می انگارد.

۲- چستی عرفان های نوظهور

۲-۱ علل پیدایش عرفان های نوظهور

یکی از فطریات انسان، حریت و آزادی است. به موجب این خواست فطری انسان دوست دارد که تحت تأثیر عوامل خارج نبوده، اراده اش نافذ باشد و مانعی بر فعل او مؤثر نشود. در ادیان شرقی آموزه ای به نام موکشا و جود دارد که به معنای آزادی و رهایی است؛ رهایی از رنج زندگی در قید و بندهای این جهان و آزادی از اوهام و فریب هایی که اندیشه و قلب ما را محدود و اسیر کرده است.^۱ در مورد عرفان های نوظهور نیز؛ این مطلب صدق می کند، به این بیان که هجوم مردم به معنویت و کاستی های ادیان سنتی و کلیساها و نبود مباحث معنوی ناب و امروزی، زمینه مطرح شدن معنویت های نوین را مطرح نموده است. به این دلیل که؛ معنویت های بدلی و حرف هایشان در طول تاریخ وجود داشته و همیشه به دنبال فرصتی برای عرضه افکار خود به جامعه بوده اند، و این عصر که عصر هجوم مردم به معنویت است، این عرفان های بدلی فرصتی برای ظهور و مطرح کردن خود پیدا نمودند.

^۱ مظاهری سیف، جریان شناسی انتقادی عرفان های نوظهور، ص ۱۲-۱۳

جلوگیری از بکارگیری علائم و نشانه‌های فرقه‌های ضاله در کشور

در حال حاضر در بازارهای کشور شاهد عرضه و فروش بسیاری از اقلام و نشانه‌های فرقه‌های ضاله در کشور هستیم که بسیاری از مردم نیز بدون اطلاع از مفهوم این نشانه‌ها از آن‌ها استفاده می‌کنند. تا جایی که برچسب‌هایی از این نشانه‌ها نیز تولید و برای کودکان در بازارها عرضه می‌شود. انگشترهای خاص، دستبندهای عجیب، گردنبندهای اسکلتي، چکمه‌های چرمی تزئین شده با فلز و با نشانه‌های خاص، لباس‌های منقش به این آرم‌ها و... در بازار به راحتی و سهولت قابل دسترسی و خرید است و متولیان امور فرهنگی کشور در اقدامی آگاهانه باید اقدام به جمع‌آوری و جلوگیری از تولید و واردات این نشانه‌ها کنند.^۱

جلوگیری از گسترش موسیقی این فرقه‌ها

متأسفانه برخی از این فرقه‌های ضاله با استفاده از ابزار هنر موسیقی توانسته‌اند تأثیرات عمیقی بر روان و افکار جوانان بگذارند. موسیقی‌هایی که از سوی این گروه‌ها تولید می‌شود سرشار از خشونت، پوچی، بی‌هویتی و نفرت است. که در نهایت منجر به از خودبیگانگی و بروز ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود. جلوگیری از گسترش این نوع موسیقی مبتذل و آشنا کردن جوانان با موسیقی ناب ایرانی از راهکارهای پیشنهادی دیگر برای مبارزه با این گروه‌هاست.^۲

ارائه اسلام واقعی به مردم به ویژه جوانان

ما باید شناختی حقیقی، هم از دین اسلام و هم از فرقه‌های نوظهور را برای جامعه بیان کنیم؛ اگر این‌ها جوانان را با شیوه‌های خاصی به انحراف می‌کشانند، ما هم باید با استفاده از همان شیوه‌ها، در بین نسل جوان آگاهی بخشی کنیم.

بر اساس سخن امیرالمؤمنین(ع)، مبنی بر این که هرگز نمی‌توانید راه رشد را بیابید، مگر آن که راه انحراف را هم نشان دهید^۳، می‌توان گفت: وظیفه اندیشمندان مسلمان که می‌خواهند، به شیوه‌ای علمی

^۱ کیانی، مولفه‌های معنویت‌های نوپدید در ایران، ص ۱۵۷-۱۰۹

^۲ ضابط، بررسی جنبش‌های مذهبی غیرمتداول در جهان غرب، ۹۵-۱۱۲

^۳ نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷

با گرایش جوانان به فرقه‌های نوظهور مقابله کنند، شناخت عرفان حقیقی و پلیدی‌های عرفان‌های کاذب در کنار یکدیگر است.

نتیجه گیری

ادیان الهی یکی پس از دیگری کامل تر شده تا به دین اسلام رسیده است؛ اما مسلم است اگر در جامعه افراد نسبت به معارف و مبانی دین شناخت کامل نداشته باشند و برای شناخت تلاش کافی نکنند و از طرفی نگرش‌های موجود در ادیان الهی در خصوص مسایل روز نیز به روشنی تبیین نشود، به ظاهر دین بیشتر از باطن آن توجه می‌شود و بعد سیاسی دین نمود عمیق‌تر و بارزتری از بعد معنوی آن پیدا خواهد کرد. افرادی که به باورهای عمیق دینی نرسیده‌اند در یافتن حقیقت و پاسخ به ندای فطرت حقیقت‌جوی خود دچار انحراف شده و در پاسخی عجولانه و غیر منطقی به ندای فطرت خود به جای اتکا به ادیان حقیقی به تارهای عنکبوتی عرفان‌های کاذب بشری دست می‌آورند و به آن‌ها گرفتار می‌شوند.

تهاجم فرهنگی و بزرگ‌نمایی پیشرفت‌های فرهنگی موجود در فرهنگ‌های متجددمآبانه غرب و اصالت بخشیدن به این نوع فرهنگ به جای فرهنگ اصیل ایرانی و فرهنگ پیشرفته اسلامی و نیز تبلیغ برای ریشه دوانی در درون تجددگرایانی که فرهنگ غرب را مدینه فاضله خود دانسته و آن را برگزیده‌اند از یک طرف و عدم وجود برنامه‌های فرهنگی برای ارضای نیازمندی‌های موجود جامعه از طرف دیگر باعث شده است تا آنچه عرفان‌های نوظهور به عنوان فرهنگ نو ارائه می‌نمایند، حق جلوه نماید. در این اثنا تقابل بین سنت و مدرنیته و اختلاف دیدگاه بین دو نسل، نمود عینی پیدا می‌کند و نسل جوان، بدون شناخت اهداف سازندگان و مبلغان این عرفان‌ها به دنبال تبلیغات، نمادها و ابزارهای این فرقه‌ها می‌روند و استفاده از آن را نشان تجدد می‌دانند.

بنابراین گرایش جوانان به عرفان‌های کاذب نتیجه ترکیبی از عوامل اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و رسانه‌ای است. برای مقابله با این پدیده، نیاز به افزایش آگاهی دینی، تقویت هویت ملی و مذهبی، و ارائه راهکارهای مناسب برای پاسخگویی به نیازهای معنوی جوانان می‌باشد.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- آمدی، عبدالواحد بن محمد، **غررالحکم و دررالکلم**، قم دارالکتب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق
- ۴- ابن میثم، میثم بن علی، **شرح نهج البلاغه**، تهران دفتر نشر الکتاب، چاپ دوم ۱۳۷۹ ق
- ۵- باقریان موحد، سیدرضا، **جریان‌شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور**، ماهنامه آیینه پژوهش، شماره ۱۱۵، ۱۳۸۸ ه ش
- ۶- حرانی، ابن شعبه، **تحف العقول**، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، بی جا، ۱۳۶۲ ه ش
- ۷- درگاهی فر، رضا، **شاخصه‌ها عرفان‌های کاذب**، تهران، نشر جمهوری، ۱۳۹۰ ه ش
- دهخدا، علی‌اکبر، **لغت‌نامه**، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ه ش
- ۸- زودبین، حسین، **فرقه‌های نوظهور**، کرج: نشر مهدیار جوان، ۱۳۹۱ ه ش
- ۹- سرمستانی، جمشید، **جستارهایی درباره عرفان‌های نوظهور و انحرافی**، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم؛ معاونت فرهنگی و تبلیغی، قم: نشریه پاد اندیشه، ۱۳۹۰ ه ش
- ۱۰- سلیمانی‌فر، ثریا، **شخصیت جوان از دیدگاه قرآن و عترت**، بینات، شماره ۵۱، ۱۳۸۵ ه ش
- ۱۱- شریفی، احمد حسین، **عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب**، تهران: نشر به آموز، ۱۳۸۹ ه ش
- ۱۲- ضابط، حیدررضا، **بررسی جنبش‌های مذهبی غیرمتداول در جهان غرب**، مشکوه، شماره ۸۴ و ۸۵، ۱۳۸۳ ه ش
- ۱۳- ظهیری، سید مجید، **التقاط-ضد عرفان و سلامت معنوی جامعه**، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی (علمی-ترویجی)، ش ۹۱

- ۱۴-فعالی، محمد تقی، زمزمه‌های شیطانی: آسیب شناسی عرفان‌های کاذب، تهران، نشر دار الصادقین، ۱۳۹۱ ه ش
- ۱۵-قرشی، علی‌اکبر، تفسیر احسن‌الحديث، تهران، بنیاد بعثت، جلد ۱۲، ۱۳۷۴ ه ش
- ۱۶-قمی عباس، سفینه البحار، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ه ش
- ۱۷-کیانی محمدحسین، مولفه های معنویت نوپدید در ایران، کتاب نقد، شماره ۵۰ و ۵۱، ۱۳۸۸ ه ش
- ۱۸-محمودزاده، مریم، عرفان‌های کاذب و انحراف جوانان، در: روزنامه رسالت، ص ۲۰، ۱۳۸۹ ه ش
- ۱۹-مظاهری سیف، حمیدرضا، عوامل پیدایش معنویت‌های نوظهور، ماهنامه موعودف شماره ۸۹، ص ۱۳-۱۲، ۱۳۸۹ ه ش
- ۲۰-مهدوی کنی سعید، دین و سبک زندگی، مطالعه موردی، شرکت کنندگان در جلسات مذهبی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۶ ه ش